چهارشنبه
۲۷ آبان ۱۴۰۵- ۸ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ - ۱۸ نوامبر ۲۰۲۶- شماره ۳۱۸۱-پیاپی ۴۴۹۹

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»

مدیرمسئول: عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶

ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com

تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی-۱۰۸)

توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸

تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کدپستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱

روابط عمومی: pr@smtnews.ir

چاپخانه: صمیم

www.smtnews.ir
info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews
instagram.com/smtnewspaper
tozi.smtnews@gmail.com
http://eitaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

عکس روز



تنگه هرمز در کانون تحولات منطقه

منبع: ایرنا

نگاهی تازه به نقاشی کودکانه

بابک بهاری: **هشت کودک به تلاش خانم افسون لاشایی و عبدالرضا رابطی بر دیوار نشستند سفره دل و ذهن شکستند و از دل گسستند تا جور دیگری ببینیم در مامن و آشیانه موسیقی.**



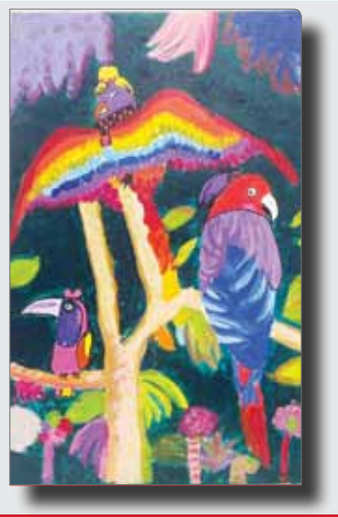
هانا حیدری، سری جدا گشته آمده به تماشای خانه‌های قرار گرفته در خط عمود!، تضاد عالی رنگ‌ها بر بستر آبی فرا گیر صحنه، ردیف خانه‌ها و سوپر مارکت انتهای خط با بدوش کشیدن وزن همگان، نقش و اهمیت بدن از طریق نمایشش با رنگی مخالف رنگ زمینه، سری جدا ز همه سرها کشیده بسوی خانه‌ها که شاید بیابد گمشده‌اش را.



السا سادات میر پور، گربه‌ای هزار رنگ و هزار شکل، دایره‌ای که با شکل‌های اسلیمی و گربه‌اش نقش شده با چهره‌ای خندان خیره به ما، نقش‌ها و رنگ‌ها سخن گویان هزار پاره، ذهنی آشنا با هنر پیشینیان در قالبی تازه از زیست و علایق و سلایقش می‌تراوند از قلمش تا ببینیم آنچه می‌خواهد و می‌گویدشان.



نورا حداد، اثری چند وجهی با آسمان و کوه افق و ابر تا پیش تصویر، نقش موثر و چشمگیر رنگ‌ها برگرفته از قلم هاکنی، پهنه بنفشی که با یک یک معبد مستطیلی بریده شده، ابرها با فراغ بالی می‌آیند بسوی ما و می‌روند به دامنه‌ها با رنگ‌ها و لطافتی که کودکی آنها را فرا خوانده و دیده و احساس کرده است.



سارا جواد زاده، پرنگان رنگین بال و صدای رنگ هایشان، جهات سه گانه نگاه‌ها و بال گشودگی برای نمایش رنگ ها، حضور دمی صورتی در بالای تصویر گزارشی از انبوهه چنین نایاب پرندگان، ذهن کودکانه و نقش زدن شکر شکن شوند همه طوطیان جهان زین نقش پارسی که ز آنان به چنین قلمی خیالی می‌شود.



طاها شهسواری، پینوکیو و بناها و مسیری چنین سپید پوش منتهی به نگاه مخاطب، همکناری بناهایی از دین‌ها و مذاهب متفاوت، خلوتی صحنه و نبود هیچ نشانه‌ای از طبیعت جز یک اشاره نمادین به معماری تمامی بیان هنرمند، راست یا دروغ امری همانند بودن یا نبودن مسئله چیست ایا خود تصویر حقیقت است پرسش این است شاید.



سوفی قربانی، دو شخصیت کمیک کارتونی در نمایشگاهی با آثاری از پیکاسو، دیوارهای صورتی! با آثاری از دوران‌های های رنگی سه گانه، جایگزینی بر ساخته‌های انسانی با انسان و تقابلی بین عصر مدرن و پسامدرن، کاش ما هم به شوقمندی این دو شخصیت به تماشا برویم هرچند که غم نان شاید نگذارد.



رژان کریمی، شامی تازه با شخصیت های تازه، عصر نو نگاهی به امری کلاسیک با عناصر جدید و کارکترهای نو با تغییر جنسیت ها، مدل و رنگ موها، حضور پیتزا و سایر خوراکی های تازه، تغییر رنگ آسمان و حضور شخصیتی تازه در جلوی میز(خود هنرمند) و تغییر نمای دید بهمراه تغییر رنگ رومیزی از سپید به صورتی، نگریستن از منظری امروزی به اتفاقی از گذشته و دعوت خویش به شامی تازه.



آریانا علوی مقدم، امروزیت و تخیل هفت انگشتی بر تابلو با گوشی موبایل در کنار کارکتر، تابلوی برج آزادی و عینک روز!، ترکیب رنگ ها(آبی، زرد، صورتی، مشکی) متناسب با بیان و زمینه سوژه، پلی بر آب‌های ابری و آبی رنگ و سازه نمادین(برج آزادی)که علاوه بر کارکرد فرمی(نقش عمق و غیرو) دارای نقش نمادین و مفاهیم شهر نشینی و پای تخت بودن را دارا ست.

سخن پایانی

نقاشی کودکانه همانا ذهنیت آنها از واقعیت و تماس شان با جهان می باشد و آنچه درک می کنند و لازم می‌دانند را به تصویر می کشند همانا کتاب خواندن سری بدون گردن و بدن یا دستی آب می نوشد! همین و بس.

دریچه

جزیره هنری قرنطینه اسپانیا



نوشته گریس ایبرت
برگردان مهتاب خطیر
برگرفته از www.thisiscolossal.com

جزیره قرنطینه که «برزخ هنرمندها» نام گرفته، هدفش رهایی از محدودیت‌هاست. این برنامه ی اقامتی فشرده نام خود را از جای برگزاری‌اش وام گرفته: یک بنای قرن هجدهمی در ساحل منورکا، اسپانیا.

این بنا که بین سال‌های ۱۷۹۳ تا ۱۸۰۷ ساخته شده در بندر ماهون، زندانی بود که مسافرها در آن برای چند هفته پهلو می‌گرفتند و یا بهنگام بیماری تا زمانی که از بیماری بهبود می‌یافتند، قرنطینه می‌شدند. این جایگاه حدود یک سده بعد تعطیل شد، اگرچه معماری گوتیک و برگزاری مراسم‌های یادبود در گورستان‌های آن، همچنان پابرجا هستند. امروزه، این جزیره‌ی دورافتاده بیشتر برای گردشگری، برگزاری رویدادها و اقامتگاهی مرموز و پینترستی بکار برده می‌شود. کارلس گومیلا این برنامه ی اقامتی را در سال ۲۰۱۷ راه انداخت، هدفش همواره جنبه‌ی تجربی داشته حتا پیش از آغاز به کار به شکل کنونی خود در سال ۲۰۲۳ با شریک و همکارهایش، جوآن تالتاول، ایتزیار لچهآ و دارن گرین. گومیلا در پایبندی خود به اساس قرنطینه پایبند است. هر بهار و پاییز، او و تیمش حدود ۶۰ نفر را به جزیره فرا می‌خواند.آنها یک هفته را با یک برنامه‌ی دقیق گام به گام می‌گذرانند. ریزه کاری‌های هر دوره گفته نمی‌شود و هیچ تماس تلفنی روا و مجاز نیست. این نبود وابستگی، تمرکز و آسیب‌پذیری جمعی را ایجاد می‌کند، زیرا هر چیزی که در جزیره می‌افتد، در جزیره باقی می‌ماند (هنرمندها حتا می‌توانند کارهای خود را در پایان هفته بسوزانند). کارکنان می‌گویند هدف این است که هنرمندها را به یافتن هدف خود سوق دهند و انجام این وظیفه در اجرای مو به موی یک برنامه دقیق به‌دست می‌آید. گومیلا از تمایزی می‌گوید: اینکه قرنطینه را نباید خلوتگاه دانست، بلکه آن را یک برنامه آموزشی دید، برنامه‌ای که از شرکت‌کنندگان می‌خواهد فراتر از محدودیت‌های هر روز خود کار کنند. گومیلا ادامه می‌دهد: تضاد، همانگونه که ریسک مهم است، کلیدی است. اگرچه ساختار برنامه ثابت می‌ماند، اما کمتر از نیمی از فعالیت‌ها و روش‌ها تکرار می‌شوند. من فهمیده ان هرچه ریسک‌پذیرتر باشند، بهتر کار می‌کنند. این انگیزه‌ی خوبی برای تغییر چیزها در هر دوره است.» آزمایشگاه‌ها از هنر، آموزش، روانشناسی و استراتژی الهام می‌گیرند. من باور دارم تکنیک بسیار مهم است، اما ما باید چیزی بسازیم که آن را کامل تر کند. قرنطینه برشیوه ی اندیشیدن و ایده تمرکز دارد. در بیانیه‌ای در وب‌سایت آن آمده است: «ما از شما می‌خواهیم تا با ترس‌هایتان روبه‌رو شوید، آنچه را که دست و پای شما را می‌بندد فراموش کنید و آتش آفرینش درون خود را، دوباره کشف کنید.»اگرچه این برنامه بیشتر به هنر تجسمی می‌پردازد، اما کسانی را نیز نام نویسی می‌کند که ممکن است در آغاز خود را هنرمند ندانند. وکیل ها، روانپزشک‌ها و شاید مربی سگ‌های نجات در کنار طراح، مدیرهای هنری و هنرمندهای مفهومی کار از این دستند.

راوی تندیس‌های داستان پایان جهان



نوشته کیت موث
برگردان مهتاب خطیر
برگرفته از www.thisiscolossal.com

در جریان کارهای تپنده و همزمان تأثیرگذار استفانی کیلگاست، آینده‌ای شگفت آور و خیالی بدون انسان، روابطی نادر رقم می‌خورد. این هنرمند می‌گوید: «در کارهای هنری من، انسان ناپیداست و تنها میراث او از اشیا، ساختمان‌ها و زباله‌هاست که به جا مانده» او ادامه می‌دهد: گیاهان و جانوران تسخیر می‌شوند. گونه‌های جانوری، قارچ‌ها، گلسنگ‌ها، گیاهان و مرجان‌ها در هر گوشه و کناری جاگیر می‌شوند و بدینگونه زیستگاه‌های تازه‌ای ایجاد می‌کنند. این همزیستی بین چیزها و محیط سبزشونده، نشان دهنده توازن و احترامی است که آدمی از دست داده است و من به گونه‌ای نمادین در کارهایم با بیان امید، شادی و زیبایی طبیعت در انفجاری از رنگ، آن را بازآفرینی می‌کنم. تندیسهای شاد، زنده و پسا آخرزمانی کیلگاست چیزهایی هستند که کنار جاده‌ها دور انداخته می‌شوند، مانند قوطی‌های فلزی یا بطری‌های شیشه‌ای. زیستگاه‌های وهم‌آلودش پر از ابزارهای از مد افتاده‌ای مانند نوارهای ویدئویی، سی دی پلیرها یا ساعت‌های زنگ‌داری دیده می‌شوند، که به لطف تلفن‌های هوشمند یا سرویس‌های پخش آنلاین، مردم به ندرت به آنها نیاز پیدا می‌کنند. این هنرمند همچنین به تازگی از چاپ کتاب دیگری با نام «آرمان‌شهر» خبر داده است که شرح رویدادهای ده سال پایان کارش را روایت می‌کند. این کتاب گردآوری‌ای از اثرهای یک دهه اوست از تندیس ها، نقاشی‌ها و برگ‌های دفتر طراحی او را به همراه مقاله‌ها و فهرست کاملی از آثارش.